



مکتب ساختارگرایی

Structuralism

مقدمه

بررسی نظریه ها به طور کلی:

- نظریات تأثیر ارتباطات جمعی

- نظریات هنجاری

- نظریات انتقادی

* مارکسیسم کلاسیک

* نظریه فرانکفورت

* نظریه مطالعات فرهنگی

* نظریه ساختارگرایی و نشانه شناسی

* و ...

ماهیت مکتب ساختارگرایی

ساختارگرایی قائل به وجود هسته سخت و پنهان در پس پدیده های ظاهری از جمله پدیده های فرهنگی و ارتباطی است که نشانه شناسی سعی دارد با شناخت و تحلیل علائم و نشانه های ظاهری، به فهم آن هسته سخت به عنوان «ژرف ساخت» پی ببرد.

هدف ساختارگرایی:

کشف ساختارهای عمیقی است که به جهان بشری نظم و انسجام می بخشد.

نظریه پردازان:

فردیناند دوسوسور

فردینان دوسوسور: زبان و اسطوره

دوسوسور، زبانشناس ساختارگرای سوئیسی، زبان را نظامی از نشانه‌ها میداند که با فرایند پیچیده «دلالت» سر و کار دارد.

از نظر وی زبان دارای دو بخش است:

لانگ ← زبان: به عنوان مجموعه نشانه‌های مرتبطی که تابع مجموعه‌ای از قواعد است.

پارول ← گفتار: رابطه و ارتباط کلامی میان افراد انسانی یا کاربرد فردی زبان است.

پارول به موارد تجربی و بالفعل کاربرد زبان مربوط است. یعنی به چیزهایی که مردم در زمانها و مکانهای خاص به کار می برند.

لانگ، نوعی ژرف ساخت است؛ یعنی کل نظام نشانه هایی که اساس پارول را تشکیل می دهد.

رویکرد سوسور بیشتر بر لانگ متمرکز بود. او کمتر به آنچه مردم می گفتند علاقه داشت، علاقه او بیشتر معطوف به نظام زبانی نهفته در پس کلام بود که به آنان اجازه می داد همه چیز بگویند.

تفکیک اساس زبانشناسی سوسور:

«دال» و «مدلول»

هر نشانهٔ زبانی ترکیبی از دال و مدلول است.

مثال: تصویر «درخت» دال و مفهوم یا صورت ذهنی درخت، «مدلول» است.

هیچ رابطهٔ طبیعی و ذاتی بین دال و مدلول وجود ندارد.

واژه ها و مفاهیم، معنایشان را بر اساس تفاوتی که با سایر واژه ها و مفاهیم

در یک نظام زبانی مشخص دارند، کسب می کنند. (کل گرا)

رولان بارت

زبان و سطره شناسی

رولان بارت، متفکر ساختارگرای فرانسوی است که از نظر وی، اسطره، نظام نشانه‌شناختی مرتبه دومی است که در آن نشانه‌های زبان، یعنی هم دال‌ها و هم مدلول‌ها در مقام دال - های اسطره‌ای ایفای نقش می‌کنند. یعنی بر دیگر مدلول‌های اسطره‌ای دلالت می‌کنند.

سوسور: زبان ← دال + مدلول = نشانه



بارت: اسطره ← دال + مدلول = نشانه

به عنوان مثال

نشانه «موش» در مرتبه زبانی دلالت، یعنی «جونده کوچک». اما در مرتبه اسطوره دلالت معنی موش تابعی از بافتهای اجتماعی و فرهنگی است. در کشورهای غربی انگلیسی زبان مانند بریتانیا، موش اسطوره ای است که بر کثافت، بیماری و تاریکی فاضلاب زیرزمین دلالت دارد.

بارت، ساختار پنهان و نهفته عناصر فرهنگی و روزمره مردم فرانسه (ورزش، سرگرمی و ...) را «قاعده بورژوازی» می نامد.

ژاک لاکان زبان و سوژه

ژاک لاکان پزشک، فیلسوف و روانکاو برجسته فرانسوی، معتقد است ایگوی فرویدی واقعیتی مجسم چون چشم یا پا ندارد بلکه نشانه است.

به باور لاکان جدا از زبان، سوژه انسانی وجود ندارد این نکته از نظر فلسفی اهمیت تعیین کننده‌ای دارد زیرا به این معنی است که انسان به عنوان سوژه مستقل از رابطه‌اش با سوژه‌های دیگر وجود ندارد. چرا که زبان از رابطه با دیگران جدایی ناپذیر است حتی شکل‌گیری «نفس» ساخته‌ی اجتماعی‌ست. «انسان آنگاه سوژه می‌شود که گفتن «من» را فرا می‌گیرد. واژه‌ای که در یک زبان مشترک و از طریق رابطه با دیگران فرا گرفته می‌شود.»

کاربرد نظریه‌ی روان‌کاوی لاکان:

این نظریه سویه‌هایی را بر ذهن ما می‌گشاید که می‌تواند در تحلیل نحوه‌ی عملکرد متون رسانه‌ای، راهنما باشد. چنان که لاکان تصریح می‌کند، هویت و ذهنیت آدمی برساخته‌ای زبانی و فرهنگی و نه امری پیشینی و ذاتی است. لذا متون رسانه‌ای در قالب فیلم، سریال، آگهی و ... می‌تواند به ساختن هویت ما کمک کند.

لویی آلتوسر ایدئولوژی و سوژه

مارکسیسی ساختارگراست که با تأسی بر مارکس، بر این باور است که هر نظام اجتماعی برای بقا و ماندگاری‌اش، ناگزیر از بازتولید شرایط و روابط تولید است.

آلتوسر ایدئولوژی را مجموعه‌ای از تصاویر، نمادها و چارچوب‌های مفهومی می‌داند که مهمترین کارویژه‌ی آن «سوژه‌سازی» است.

به نظر وی، بازتولید روابط تولید توسط دستگاه‌های ایدئولوژیک دولت مانند نهاد خانواده، نهادهای حقوقی، نهادهای سیاسی و وسایل ارتباط جمعی و ... صورت می‌گیرد.

گروه رسانه ای گلاسکو ایدئولوژی خبر

نظریه‌های مارکسیستی ساختارگرا به پژوهش‌های تجربی‌ای منجر شد که مهمترین مورد آن، پژوهش‌های گروه رسانه‌ای گلاسکوی انگلیس از اواسط ۱۹۷۰ تا اواسط ۱۹۹۰ میلادی است. هدف آنها رمزگشایی اخبار تلویزیون و نشان دادن ساختار و چارچوب فرهنگی مؤثر بر تولید اخبار به ظاهر بی‌طرف بود. (بررسی کارکرد ایدئولوژیکی اخبار تلویزیون در گزارش‌های مربوط به اعتصاب‌های صنعتی اتحادیه‌های کارگری تحلیل برنامه‌های خبری دو ایستگاه پخش خبر در بریتانیا)

جودیت ویلیامسون ایدئولوژی آگهی

ویلیامسون با تأثیرپذیری از مارکسیسم ساختارگرا، می‌گوید آگهی‌ها با فروش کالا به ما، شیوه‌ی هویت‌یابی یا کیستی ما را تعریف و تعیین می‌کنند. (مثال: من زمانی به اندازه کافی توانمند هستم که مانند فردی باشم که در آگهی است)

ویلیامسون می‌نویسد: معنای ایدئولوژیک در آگهی، از طریق دالها ساخته میشود و با استفاده از تحلیل نشانه‌شناسی می‌توان معانی پنهان تصاویر (دال) را رمزگشایی کرد. (مثلاً فقدان مدلول کافی در آگهی ادکلن)

تبلیغات معنایی را خلق می‌کند که با واقعیت هیچ ارتباط مستقیمی ندارند. هدف همه‌ی آگهی‌ها، تلاش در جهت ایجاد تمایز میان چیزهایی است که به قول ویلیامسون، اساساً یکسانند و با هم تفاوتی ندارند. (مثال: دو بسته قهوه با مارکهای مختلف)

میشل فوکو گفتمان و جامعه نظارتی

میشل فوکو استدلال می کند که گفتمان یک مکانیزم حذف و طرد است. و کارکرد آن، ساخت ایده ها و ارزش های خاص کنونی و حذف و نادیده گرفتن بقیه ی ارزش ها و ایده هاست.

به استدلال وی، گفتمان، موضوع را می سازد، ابژه های دانش را تعریف و تولید می کند و نحوه ی گفتگوی معنادار درباره ی یک مضمون و دلیل و برهان تراشیدن برای آن را تعیین می کند.

از آثار فوکو در مطالعات رسانه ای استفاده شده است تا نشان دهد که رسانه ها مکانیسم ها یا دستگاه هایی هستند که قدرت گفتمان از طریق آن ها اعمال می شود. بنابراین رسانه ها نیز همانند زندان و دیگر نهادهای قدرتمند اجتماعی، کارکرد سراسربینی دارند.

انتقادات پساساختارگرایان بر اندیشه ساختارگرایی

پساساخت‌گرایی منتقد سرسخت یگانگی نشانه ثابت است و بر گذار از مدلول به دال اصرار دارد. ویژگی متن همچون زبان، بی‌ثباتی و عدم قطعیت است و هدف پساساختارگرایی فرو ریختن معنای ثابت در متون است. به دلیل چنین بی‌ثباتی فلسفه و نقد نمی‌توانند ادعای خاصی در زمینه تفسیر متن داشته باشند و تفسیر عملی آزاد و فاقد محدودیت است.

اندیشه‌ی فراساخت‌گرایی، دوگانگی عین و ذهن را در اندیشه‌ی ساخت‌گرایی نقد می‌کند و معتقد است ذهن و عین هر دو با هم هستند.

تأکید بر قدرت، سیاست و معرفت عنصر مورد توجه فراساخت‌گرایی است که ساخت‌گرایی فاقد آن است.

فراساخت‌گرایی برخلاف ساخت‌گرایان به جای زبان، بر بحث و مناظره تأکید می‌ورزد.

رویکردهای مکتب ساختارگرایی

- عمق، سطح را توضیح می‌دهد. بنابراین برای درک آنچه در سطح ظاهر می‌شود، باید به عمق بنگریم.
- از نظر ساختارگرایان این عمق، ساختاریافته است. آنها ژرف‌ساخت‌ها را هر یک از گروه‌های محدود عناصر به شمار می‌آورند که ترکیب و بازترکیب آنها تنوع سطح را توضیح می‌دهند.
- در ساختارگرایی تحلیل‌گر عینیت‌گراست. در واقع مشاهده‌گرانی هستند که در کار کشف نوعی از حقیقت‌اند.
- فرهنگ مانند زبان است. همانند زبان، در پس پدیده‌های فرهنگی نیز عناصری ساختاریافته وجود دارند.
- فراتر از انسان‌گرایی است. سوژه‌ی انسانی (من اندیشنده) را رد می‌کند. (شعار مرگ سوژه)

منابع

کتاب:

آزاد ارمکی، تقی؛ نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران، سروش، ۱۳۸۱.

پارکر، جان؛ ساختاربندی، امیرعباس سعیدی‌پور، تهران، آشتیان، ۱۳۸۳.

سیم، استورات؛ ساختارگرایی و پسا ساختارگرایی، بابک محقق، تهران، مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری، ۱۳۸۸.

مهدی زاده، سیدمحمد؛ نظریه‌های رسانه (اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی)، انتشارات همشهری، ۱۳۸۹.

مقاله:

ارتباط اندیشه‌ها، کلمات و اشیاء با یکدیگر از سایت جامع علوم انسانی.

بررسی جایگاه مفهوم فرهنگ در مکتب پسا ساختارگرایی، شرفی، خدیجه؛ سایت علوم اجتماعی اسلامی ایرانی.

■ تهيه و تنظيم: مريم فلاح